

حدیث ماه و نخلستان

(گزیده ی شعر دفاع مقدس ، ویژه ی شاعران بجنورد)

حسن روشن ، اباضلت رضوانی

سرشناسه: روشنان، حسن- رضوانی، اباصلت
عنوان و پدیدار: حدیث ماه و نخلستان؛ حسن روشنان، اباصلت رضوانی
مشخصات نشر: مشهد: سخن گستر، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری: ۱۱۸. رقمی
شابک: 4 - 216 - 477 - 964 ISBN
یادداشت: فیلا.

موضوع: شعر فارسی- قرن ۱۴
شناسه افزوده: روشنان، حسن- رضوانی، اباصلت
رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۶ / ج ۹۶ / PIR ۷۳۲
رده‌بندی دیوبی: ۵/۳۲۰۵۶ / ۷
شماره کتابخانه ملی ایران: ۳۹۵۰-۸۶



انتشارات سخن گستر
مشهد - بین ابن سینای ۱۶ و پاستور - شماره ۱۷۴
تلفن: ۸۴۳۹۹۵۵

نام کتاب: حدیث ماه و نخلستان
گزینش: حسن روشنان، اباصلت رضوانی

طرح جلد: علی قدیمی
ویراستار: آرزو شیرین‌زبان
صفحه‌آرایی: آسیه لنگری
شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
قیمت: ۱۰۰۰ تومان
توبت چاپ: اول / ۱۳۸۶
چاپ: شاهین
شابک: ۹۶۴-۴۷۷-۲۱۶-۴

این کتاب با حمایت معنوی و مادی بنیاد حفظ و نشر آثار ارزشهای دفاع مقدس استان خراسان
شمالی به چاپ رسیده است.

فهرست:

سخن آغازین.....	۱۰
حسن اسعدی	
نماز ظهر گذشت و اذان گل باقی است.....	۱۳
هادی اسماعیلی	
یله کن با خویش افسانه‌ی روئینی را.....	۱۵
دلم گرفته، نمی‌دانم از کجاش بگویم.....	۱۷
هر چیز باید دید را دیدم.....	۱۹
مردی که آذرخش، که تندر، که گردباد.....	۲۱

طلعت اکرمی

چکمه، تسبیح، دوپاء، چقیه خون آلوده ۲۳

غلامحسین امین

پاس می دارد جریم بر که را ۲۵

به رستاخیز مردم من یقین دارم ۲۷

عزیز علی انصاری

پرواز فکر بدی نیست اما پس از آن بگویم ۲۹

حاج داراب بدخشان

مپرس با لب خندان تبر کجا می رفت ۳۰

موضیه براتی

روی داستانی زمینی آسمان خوابیده است ۳۲

یک شب از شدت درد گفتم: چشم‌ها بی قرارم بریزند ۳۴

نرگس برهمنند

وقتی که بی بهانه دلم گریه می کند ۳۶

لیلا حسین نیا تنها

چشم‌های زلال شما رها شده‌ام ۳۸

منیژه در تو میان

دیروز از راه رسیدی، با زخم سنگین بالت ۴۰

آتش برای هیزم، هیزم برای آتش ۴۲

آن سان که ریخت حادثه آوار بر سرم ۴۴

آتش مگر ز شانه‌ات ای مرد عبور کرد؟! ۴۶

باز هم مورد تکفیر قرارم بدهید ۴۸

تقی رستمی

سپهمنش را به من داد..... ۵۳

حمید رستمی

باغ خشک است و بی ثمر مانده..... ۵۵

آهسته و هماره غزل می خواند..... ۵۷

این ابرها غرور تو را یاد می کند..... ۵۹

زنچیر گشته ای به تن تحت خواب ها..... ۶۱

ابا صلت رضوانی

با درد نهفته همدلی نیست..... ۶۳

قبول دارم، دارد اتاق می شکفت..... ۶۵

چنان که پرپر گل در حیاطمان افتاد..... ۶۷

سفر گرید از این کوچه باز هم نفسی..... ۶۹

تکیم رمضان

طرحی به رنگ حادثه بر جاده های عشق..... ۷۲

بر بام خانه بوف خطر خنجه می زند..... ۷۴

حسن روشن

دشت خسته! هان! پس کو شور کوهسارانت؟..... ۷۶

افتاد بر خاک و گفتم: افتادن کاج عجیب است..... ۷۸

آرام مه لمیده بر اندام پنج شیر..... ۸۰

زل می زند به این همه قاب و مدال ها..... ۸۲

وقتی سکوت کرخه را تاراج کردند..... ۸۴

یلدا! شعبانی

۹۰ اه ای دروغ گم شده!

آرزو شیرین زبان

۹۲ هیچ می دانی که رفتی من چه حالی داشتم؟!

۹۳ بمان کنار خاطرم، همیشه سبزپوش من!

رضا فلاح

۹۶ تو همان سایه روشن پرواز ترانه های خورشیدی .

۹۹ من مادرم را دوست دارم.....

۱۰۴ این بغض را میان دود و آهن نوشته ام.....

قاسم فرخی

۱۰۶ دیگر هزاره ی سوم عقیق مانند.....

۱۰۸ بعد از تو قداست کدام خاک را نماز بریم؟!

جواد نسیمی

۱۱۰ پشت یک حصار از آجر سفال زرد.....

۱۱۲ تنها ترین غریبه منم بی نگاه تو.....

معصومه و حدانی

۱۱۴ کیست در متن بانگ یا هو می زند؟.....

۱۱۶ دوست دارم کبوتر شدن را.....

سخن آغازین

ز بس که رفته رفیقان همسفر داریم
زمین درآمده یکسر به شکل نقش قدم

بدون شک، ادبیات هر ملتی ارتباطی تنگاتنگ با تحولات تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و گذشته تاریخی و فرهنگی و سنت های ادبی و دینی آن ملت دارد. ادبیات دفاع مقدس به ویژه شعر دفاع مقدس نیز از این امر مستثنی نیست. تجربه ی جنگ تحمیلی و حوادث و پیامدهای آن، با جان و روح ملت ما گره ای ناگسستنی خورده است و بخش مانایی از حافظه تاریخی ملت ماست.

شاعر و هنرمند، این تجربه ها را پس از درونی شدن و درون باوری، با زبان هنر بیان و ارائه می نماید و درک هنری خود را از طریق با دیگران به تماشا می نشیند در حقیقت شاعر و هنرمند با زبان هنر، به بازخوانی خاطرات و دغدغه های مشترک یک ملت می پردازد. بیان فرهنگ شهادت، ایثار، از خود گذشتگی، دفاع، صبوری و بیان رشادت ها و شهادت ها به گونه ای طبیعی ادبیات دفاع مقدس را به سمت محتوا گرایی و نوعی گریز از فرم سوق داده است. و این یکی از مهمترین مولفه های شعر دفاع مقدس است.

گره خوردگی دفاع مقدس ، با فرهنگ عاشورایی و حماسه های دینی و ملی ، و بازتولید دوباره ی آن حماسه ها و همچنین گره خوردگی آن با فرهنگ انتظار ، آن را از ادبیات سایر ملت ها متمایز ساخته است . شعر زمان جنگ به دلیل در صحنه بودن شاعر گاه شاید دچار شتاب زدگی ها و بیان صریح و گریز از تکنیک های زبانی و فرمی باشد ، که همه ی این ها را باید در زمان خودشان سنجید و جایگاه تاریخی اثر و خالق اثر را نباید نادیده گرفت . اما حس شاعرانه ، درک ، لمس و تجربه ی مستقیم مسائل و حوادث ، توسط شاعر زمان جنگ ، چیزی است که مخاطب را به همدلی و آ می دارد و غیر قابل انکار است .

پس از جنگ ، شعر به گونه ای آرام همراه با وسواس و دقت نظر بیشتری دنبال شد . همایش ها و جشنواره ها و نشست های نقد و آسیب شناسی به شاعر پس از جنگ ، نگاهی متفاوت بخشید و همه ی این عوامل باعث شدند تا شعر ، مستحکم تر و حرفه ای تر سروده شود و تا حدودی از مرثیه سرایی و اغراق های بی پایه فاصله بگیرد .

بدون شک ، جامعه ی بعد از جنگ ، با جامعه ی زمان جنگ همانند نیستند . آرامش و نگاه از بیرون نوعی درک فراگیر می بخشد و این چیزی است که در شعر پس از جنگ اتفاق افتاد .

این که برخورد عام جامعه پس از جنگ با جنگ و مردان و یادگاران آن چگونه بوده است ، یکی از دغدغه های شعر دفاع مقدس است . خود انهمای ، حسرت گذشته ، جا ماندن از قافله ی شهادت ، فراموشی نسبی آن ارزش ها توسط طیفی از جامعه و عدم درک صحیح نسل سوم از دفاع مقدس و دغدغه های شاعر برای تفهیم و یادآوری رشادت ها و شهادت ها چیزی است

که در شعر پس از جنگ بارها و بارها زمزمه شده است و اینجاست که شاعر دردمندانه ناله می کند که :

غم کردگان دل و دین در زلف کال زری های ! از حرمت پایمال خون شهیدان بگویند
باز خوانی و انتقال فرهنگ پایداری و ایثار به نسل حاضر و آتی و ماندگاری آن
امری است که فقط از عهده ی هنر و هنرمند بر می آید و این مجموعه ، تلاش
ناچیز اما صادقانه ای است در این راستا .

از حسن اعتماد تمام دوستان شاعرمان ، که آثارشان را جهت چاپ در این
مجموعه در اختیارمان قرار دادند ، سپاسگزاریم!

از جناب آقای هادی اسماعیلی ، سرکار خانم آرزو شیرین زبان و آسیه لنگری
و جناب آقای فریدون هراتیان مدیر کل محترم بنیاد حفظ آثار و نشر
ارزش های دفاع مقدس استان خراسان شمالی و همکارانشان که مهربانی و
لطفشان شامل این مجموعه بوده است کمال سپاس و تشکر را داریم و از خداوند
منان طول عمر پر برکت را برای این عزیزان خواهانیم .

لازم به ذکر است ، این مجموعه با حمایت مالی و معنوی بنیاد حفظ آثار و نشر
ارزش های دفاع مقدس به چاپ رسیده است .

ما به قصد نرسیدن رفتیم

تا نگوئیم که مقصد دور است

حسن روشن

تابستان ۱۳۸۵ - بجنورد